

●دوشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۲

- ۳۰ ربيع الاول ۱۴۴۵
- سال سی و یکم
- شماره ۸۹۱۲

همشهری

شماایل فیلسوف سینما

مروری بر فیلم‌های **داریوش مهرجویی**

کارگردان تاریخ‌ساز سینمای ایران که در

شب تلخ ۲۲مهر ناباورانه از دستش دادیم

سعید مرتوی نوشتن درباره سینمای مهرجویی هر بیانه‌ای می‌توانست داشته باشد

جز محملی برای پیوست به «گزارش یک قتل». درباره مهرجویی و فیلم‌هایش و تأثیرش بر سینمای ایران و چند نسل از کارگردانان، تماشاگران و منتقدان، هرچه یگویم تحت تأثیر جنایت هولناکی است که ظاهراً بین ساعت ۲۱ تا ۲۲شنبه ۲۲مهرماه، در ویلای شخصی این هنرمند رخ داده؛ شبی که از خاطر علاقه‌مندان به سینمای ایران نخواهد رفت. موفق‌ترین و حرفه‌ای‌ترین کارگردان شاخه روشنگری جریان موج نو، (و به همراه مسعود کیمیایی یکی از ۲پیش‌قراول این موج)، محبوب‌ترین کارگردان طبقه متوسط در طول دست‌کم یک‌دهه(از میانه‌های دهه ۶۰تااواسط دهه ۷۰) و خالق مجموعه‌ای از خاطر‌انگیزترین فیلم‌های این سینما.

چهارپی‌تکراری بود که سینمای ایران ناباورانه از دستش داد. داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر، همسر و همراه فیلم‌نامه‌نویسش در ۲دهه اخیر، در شب ۲۲مهرماه ۱۴۰۲، شب سیاه سینمای ایران، به قتل رسیدند؛ اتفاقی که همه را حیرت زده کرد؛ همه آن‌ها که با «چارنشین‌ها» خندیدند، با «هامون» خاطره‌ای جمعی را تجربه کردند و از تماشای مکرر «لیلا» سیر نشدند.



از شکست (الماس ۳۳)

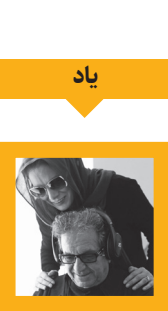
تاموقفیت (گاو) و (دایره چینا)

معمولاً در کارنامه سازنده‌اش نادیده گرفته شده. این نادیده گرفتن که حاصل توافق جمعی و منتقد و مسئول و تماشاگر بوده، تا چند یادی حاصل از عدم‌انطباق آثار بعدی‌اش با این فیلم بود. سؤال مرسوم و متداول منتقدان دهه ۴۰که چرا فیلم اول کارگردان فیلم «گاو»، «الماس ۳۳» بوده، خیلی زود و با فیلم‌های بعدی مهرجویی به فراموشی سپرده شد. آنچه نادیده گرفته شد، روحیه و حال و هوایی بود که به ساخت یک فیلم چندلحنی انجامیده بود؛ فیلمی که با موقعیت‌های متلاجدی‌اش هم شوخی می‌کرد و ابایی از سلطنتگی نداشت. رد وسایه «موقعیت جنگ» که بعد از انقلاب در مورد فیلم‌های مهرجویی فراوان به‌کار برده شد، در الماس ۲۲ قابل مشاهده است. شکست انتقادی و تجاری فیلم و تغییر مسیر مهرجویی، باعث شد همه از «الماس ۲۲» به‌عنوان فرصتی برای ورود به سینمای حرفه‌ای یاد کنند و پرونده‌اش را ببندند. دانش آموخته فلسفه، برای گام‌بعدی سراغ «عزاداران بیل» «ساعدی رفت و شهرت و اعتبار را یک‌جا به دست آورد. در حسن تصادفی تاریخی، «گاو» در کنار فیلم «قیصر» «نادی سینمای جوان و متفاوت ایران بودند. دانش آموخته فلسفه، برای گام بعدی سراغ «عزاداران بیل» «ساعدی رفت و شهرت و اعتبار را یک‌جا اصلی که با سرمایه دولتی ساخته شد، نکته جالب واکنش مهرجویی به توقیف چندماهه گاو است. ساختن یک فیلم شکست‌خورده در گیشه و یک فیلم توقیفی باعث شد او سراغ نمایشنامه موفق علی‌نصیریان برود و «آقای هالو» را در فضای شهری (در نقطه مقابل فضای روستایی «گاو») و حال و هوایی کم‌دی (باز در تقابل با جدیت فیلم قبلی‌اش) بسازد. نکته مهم مهرجویی این دوره در همین تلاش برای بقا و منطقی کردن خود با شرایط است. «گاو» در فستیوال‌ها و باز خورد بسیار مثبت فیلم در میان منتقدان و موفقیت گیشه‌اش «آقای هالو» و تثبیت جایگاه، به‌عنوان فیلمسازیکه حرفه‌ای بودن و تعلق خاطر به فضای روشنگری را توأمان دارد. «پستچی» متولد می‌شود؛ فیلمی نمادین و روشنگرانه که ساخته شدنش در دل مناسبات بخش خصوصی را باید به‌حساب زمانه‌اش گذاشت که موج نوی سینمای ایران، در دوران اوچش به سر می‌برد. مضمون فلسفی پستچی و نماد گرایی‌اش در کنار فرم خودنمایانه و جلوه گر ایانه‌اش، آشکارا سینمای هنری اروپا را به یاد می‌آورد؛ فیلم محبوب جریان روشنگری دهه ۵۰ که هم‌هنری بود (با میزآنسن‌های فلینی‌وار) و هم به کفایت چپ‌گر (با مضامین دلخواه آن سال‌ها) به همراه مایه استخاله آدم‌ها که از فیلم «گاو» شروع شده بود، جایگاه مهرجویی را در سینمای روشنگری کاملاً تثبیت کرد. «دایره مینا» نقطه اوج این مرحله از کارنامه مهرجویی است. لحن انتقادی فیلم، اقتباس از داستان «اشفالدونی» ساعدی و مایه استخاله که در دل واقع گرایی اجتماعی مفهوم ملموس تری می‌یابد، کنار تسلط و یختگی فیلمساز به‌یترین فیلم دوره اول فیلمسازی مهرجویی انجامید؛ هرچند توقیف چندساله‌اش باعث شد روند فیلمسازی مهرجویی دچار وقفه شود. دایره مینا وقتی اکران شد که چیزی تا پیروزی انقلاب نمانده بود.

بعد از پیروزی انقلاب، سینما به‌عنوان یکی از مظاهر بازمانده از رژیم گذشته، مشر وعیتش را از جمله بنیانگذار انقلاب اسلامی درباره فیلم «گاو» به دست آورد. البته مهم‌جویی مثل بقیه رفقای موج نوی‌اش، در نخستین ساخته پس از انقلابش به مشکل بر خورد. او مثل گذشته سراغ اقتباس ادبی رفت و این بار داستان «حیات پستی مدرسه عدل آفاق» دستما به‌فراز گرفت تا در نهادی دولتی (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) «مدرسه‌ای که می‌رفتیم»، را بسازد. نخستین فیلم بعد از انقلاب مهرجویی مثل فیلم‌های هم‌نسلاش به مشکل بر خورد. نیمه اول دهه ۶۰ از دست رفت و از مهاجرت مهرجویی به فرانسه ققط فیلم ناموفق «سفر به سرزمین آر تور رمبو» بیرون آمد. در فاصله سال‌های پایانی دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۶۰، سینمای ایران در دوران گذار و تزلزل مدیریت و نامشخص بودن معیارها و خط قرمزها برای فیلمسازی به سر می‌برد؛ دورانی که معلوم نبود چگونه باید فیلم ساخت و تکلیف فیلمسازان بازمانده از گذشته چیست؟ آقا این دوره را اکنار سال‌هایی که مهرجویی درگیر توقیف دایره مینا و پروژه ناکام «الموت» بود، بگذاریم می‌توانیم بگوییم یک دهه از عمر او در این فاصله هدر رفته است.

فیلم‌هاز محبوب‌فقه متوجه

بازگشت از فرانسه و ساخت «چارنشین‌ها» به‌عنوان کم‌دی شهری (در روزگاری که کسی کم‌دی نمی‌ساخت) آغازی بر برپارترین فصل زندگی هنری مهرجویی است؛ هوش و قدرت انطباق، برگ برنده مهرجویی این دوران است (دورانی که یک دهه طول کشید). مهرجویی در اجاره‌نشین‌ها از جدیت فیلم‌های شاخص‌اش (مشخصاً گاو، پستچی و دایره مینا) فاصله گرفت و در عوض توانایی‌اش در ساخت و پرداخت سکانس‌های کم‌دی را با رعایت قواعد بازی نمایان کرد. طراوت و تازگی اجاره‌نشین‌ها به‌عنوان کم‌دی‌ای که تماشاگر، مشاهده‌ش رادر سینمای ایران ندیده بود، برای نخستین‌بار مهرجویی را با مفهوم موفقیت تجاری در سطح گسترده‌اش آشنا کرد. اگر از «شیرک» به‌عنوان تجربه‌ای ناموفق برای تکرار موفقیت فیلم گاو بگذریم، بقیه فیلم‌های مهرجویی در این دوران جزو آثار مهم سینمای بعد از انقلاب هستند و قاعدتاً مهم‌ترینش هم فیلم «هامون» است که مفاهیم روشنگرانه رادر پیوند با ملودرام به فیلمی برای تماشاگر گسترده تبدیل می‌کند و روایت خرد خظی‌اش با حکایت زیست آشفته کاراکتر محوری اثر (حمید هامون) انطباقی جالب توجه یافت؛ فیلمی که توجه رسمی (سینمغ‌های جشنواره هشتم فجر) و موفقیت در گیشه (یکی از فیلم‌های پر فروش سال ۶۹) را به دست آورد و جالب اینکه این‌بار، منتقدان آخرین گروهی بودند که بر ارزش‌های فیلم صحه گذاشتند (بیشتر نقد‌های نوشته شده بر هامون در زمان جشنواره و اکران اول لحن منفی داشتند و فیلم در گذر زمان محبوب منتقدان شد). در هامون باز هم قدرت انطباق مهرجویی و توانایی‌اش در پیوند برقرار کردن میان مضامین دلخواه شخصی با آنچه روح زمانه خوانده می‌شود، به چشم آمد. در این سال‌ها مهرجویی موفق‌ترین کارگردان سینمای ایران است که با ملودرام‌هایش می‌تواند به مسائل روز جامعه بپردازد و هم در مواجهه با مشکلات (مثل گرفتاری ۷ساله «بانو» در دستگاه میزبزی) به سرعت راهکار برون‌رفت از بن‌بست را بیابد. آنچه مهرجویی در این دوران به آن توجه می‌کند، انتخاب کاراکترهای اصلی‌اش از میان زنان است و واکنش او به حضور فیلم‌های زن محور است که با توجه و تسلط تکنیکی مهرجویی و توانایی‌های اجرایی‌اش به آثار مورد توجه منتقدان و تماشاگران تبدیل می‌شوند. دوران «سارا» (که تصویر متفاوتی از زن ایرانی در سینمای ایران ارائه می‌داد)، «بری» (که مضامین فلسفی‌اش الزامات سوزی تماشاگران فهمیده نمی‌شد ولی مبین ابهام دلپذیری برای علاقه‌مندانش بسود) و «لیلا» (که از دل قصه‌ای عاشقانه، به لطف لحن متناسب و میزآنسن، به‌شکلی شگفت‌انگیز، با سینمای روشنگری پیوند می‌یافت) و در نهایت «درخت گلابی» (که گذشته را به حال پیوند می‌زد و یاز هم پیروزی شوک‌همند «اچرا» و میزآنسن بود) در خشان‌ترین فراز فیلمسازی مهرجویی را رقم زد. در این سال‌ها مهرجویی فیلمساز محبوب طبقه متوسط است؛ فیلمساز محبوب منتقدان و الگویی برای کارگردان‌های جوان که هر فیلمش تجربه‌ای برپار در طراحی نماهایی است که با دقت و مهارتی مینیاتوری‌گونه و توجه به جزئیات تکنیکی آکنده از ظرافت است.



فهم مشترک

با مهرجویی

گفته‌های زندیاد وحیده محمدی‌فر

وحیده محمدی‌فر، همسر و همسراه فیلم‌نامه‌نویس داریوش مهرجویی در این سال‌ها، دیگر قربانی جنایت هولناک شب ۲۲مهرماه بود. همشهری در زمان اکران «لامینور» گفت‌گویی با وحیده محمدی‌فر انجام داده بود که بخش‌هایی از آن را پیش‌رو دارید.

حلقه وصل به **سینما**

داستان حلقه وصل من به سینما مفصل است. من بعد از روانشناسی در یک حرفه دیگری بسوم. آن زمان مسئول روابط عمومی و تبلیغات کتاب اول بودم و با روزنامه همشهری نیز همکاری داشتم. ما برای ساخت چند تیزر نیازمند بودیم و اتفاقاً نخستین کسی که همکاری کرد، آقای کیارستمی بود. بعد‌تر شد آقای مهرجویی هم در زمینه تبلیغات همکاری کند. فکر می‌کنم آقای رئیس‌ان هم بود و آنجا من ناخودآگاه وارد کار هنر شدم، به هر حال تیزر و کار تبلیغات هم به شکلی کار هنری است و باب آشنایی من با آقای مهرجویی در آن همکاری باز شد و ادامه پیدا کرد تا به امروز.

اشتراکات فکری زیاد

ما با هم زندگی می‌کنیم، با هم حرف می‌زنیم، اشتراکات فکری زیادی داریم. کتاب‌های مشابهی مطالعه می‌کنیم و موضوعات روز را که می‌بینیم در مورد آنها حرف می‌زنیم و برایشان جذاب است. بعضی وقت‌ها در مورد موضوعاتی که خیلی زیاد حرف می‌زنیم، احساس می‌کنیم ممکن است این سوزه یک فیلم باشد. فکر می‌کنم ما چون همدیگر را خیلی خوب می‌شناسیم در نتیجه می‌توانیم با هم کار کنیم، می‌توانیم به تفاهم برسیم و اینکه نقاط اشتراک زیادی داریم برای این است که علاقه‌هایمان خیلی مشترک است.



«اجاره‌نشین‌ها»

پرتماشاگرترین فیلم مهرجویی

میان فیلم‌هایی که داریوش مهرجویی کارگردانی کرده کم‌دی «اجاره‌نشین‌ها» با فاصله‌ای قابل توجه بر تماشاگر تر از بقیه بوده است. اجاره‌نشین‌ها سال ۶۶ اکران عمومی شد و در تهران با حدود ۱۸میلیون تومان فروش هم پر فروش‌ترین فیلم سال ۶۶ شد و هم رکورد «عقاب‌ها» (ساموئل مرچ جویی «همهان مامان» و «سننتوری» (به‌عنوان موفق‌ترین فیلم‌های این فیلمساز در دهه ۲ دهه اخیر) بیش از اینکه نسبتی با آثار به دقت طراحی شده قبلی‌اش داشته باشد، دلمشغول تجربه‌های تازه‌ای که فرآیند است در درجه اول تأثیرگذار و دلپذیر باشند. داستان مرادی کرمانی در «همهان مامان» و برداشت آزاد از «عقاید یک دل‌تک» هانز بل، منابعی هستند که تخصصی قدیمی او (اقتباس از آثار ادبی) را مؤکد می‌کنند ولی واضح است که اینها هیچ‌از تطابق با اقتباس از مثلا ساعدی و قبل از انقلاب با ایبسن و سالیچر در «سارا» و «بری» ندارند. مهرجویی فیلم به فیلم، از آثار شاخص‌اش فاصله گرفت و دنبال تجربه‌های غربی چون «آسمان محبوب» هم رفت. در دهه ۹۰ از فیلم ساده شهری «نارنجی پوش» تا کم‌دی «چه خوبه که برگشتی» تا ملودرام «اشباح» تماشاگر با تصویر تازه‌ای از مهرجویی مواجه شد. کارگردانی که هیچ‌فهرستی ساخته بهترین‌های تاریخ سینمای ایران بدون آثار او نمی‌تواند تدوین شود، در آخرین فصل فعالیت هنری‌اش تغییر رویکرد داده و ابزارهای متوسط شهری را به تصویر کشیده، پس از حضور در پنجمین جشنواره فیلم فجر، در سال ۶۶ روی پرده آمد و استقبال مردم از آن، همه را غافلگیر کرد. فیلم در تهران و شهرهای بزرگ بیشتر بیننده داشت. در ۱۴۰۲، رشته حیاتش گسسته شد. چه کسی فکر می‌کرد کارنامه کارگردان «هامون» با یک بسته شود؟ سینمای ایران یکی از ستون‌هایش جزو پرمخاطب‌ترین آثار این کارگردان هستند.



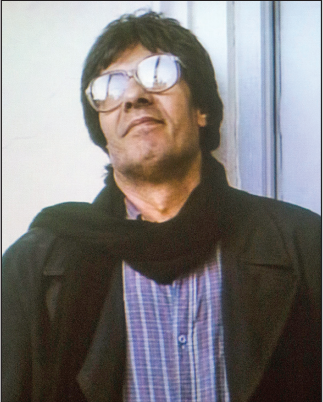
یادداشت

چند شخصیت

در سوگ کارگردان

داریوش مهرجویی، خالق بیشترین شخصیت‌های ماندگار سینمای ایران بود

مرحوم داریوش مهرجویی خالق تعدادی از به‌یادماندنی‌ترین شخصیت‌های تاریخ سینمای ایران است. مهرجویی در عمده دوران حرفه‌ای‌اش کارگردانی دقیق، حساس و وسواس بود. مرحوم عزت‌الله انتظامی در کتاب «آقای بازیگر» درباره وسواس مهرجویی در کار به هوشگ گلمکانی گفته بود: «به هر حال این هم یک واقعیت است که مهرجویی در کارگردانی و بازی گرفتن وسواس دارد؛ مثلاً او حتی میزان اشک ریختن را تعیین می‌کند که باید نه یک قطره بیشتر باشد و نه یک قطره کمتر. حتی فیلمی را بازی کردم که اسمش را نمی‌آورم، ولی همه می‌گفتند اگر کارگردان مهرجویی بود، چیز دیگری می‌شد، و راست هم می‌گفتند.» (ص. ۲۸۱) اگر بدانید مرحوم انتظامی خودش تا چه اندازه در ایفای نقش‌هایی که بر عهده می‌گرفت دقت و جدت داشت و چقدر از جان مایه می‌گذاشت، توصیف او از وسواس مهرجویی معنای دیگری برای‌تان پیدا می‌کند. تعریف یک استاد از استادی دیگر صرفاً تعارف تکه‌پاره کردن و رسم ادب را به‌جا آوردن نیست؛ شرح لذت و حظی است که یک ذهن زیبا و روح حساس از همکاری با شخصی با همین خصایص می‌برد.



سال ۱۳۸۳، ماهنامه سینمایی فیلم نظرسنجی‌ای انجام داد و نزدیک به ۲۰۰شخصیت ماندگار سینمای ایران را انتخاب کرد. از میان ۳۰شخصیت ماندگار سینمای ایران در این نظرسنجی، ۷شخصیت به فیلم‌های داریوش مهرجویی تعلق داشتند. نخستین شخصیت ماندگار این نظرسنجی در حمید هامون با بازی خسرو شکیبایی در فیلم «هامون» (۱۳۶۹) بود. مش حسن با بازی عزت‌الله انتظامی در فیلم «گاو» (۱۳۴۸) در جایگاه دوم این نظرسنجی قرار داشت. آقای هالو با بازی علی‌نصیریان در فیلمی با همین نام به سال ۱۳۴۹شخصیت دیگری از فیلم‌های مهرجویی بود که در رتبه یازدهم این نظرسنجی دیده می‌شد. شخصیت میم در «درخت گلابی» (۱۳۷۶) رتبه چهاردهم این نظرسنجی را داشت. لیلا حاتمی در فیلم «لیلا» (۱۳۷۵) جایگاه هجدهم را به‌خود اختصاص داده بود. شخصیت بیست‌وسوم این فهرست، عباس آقای سوپرگوش‌ت با بازی عزت‌الله انتظامی در «اجاره‌نشین‌ها» (۱۳۶۶) بود. آخرین شخصیت برگزیده از میان فیلم‌های مهرجویی در ۳۰فیلم نخست این نظرسنجی، سارای فیلم «سارا» (۱۳۷۱) با بازی نیکي کریمی بود که در رتبه بیست‌وچهارم قرار داشت. جز اینها، شخصیت‌های دیگری هم مثل فتح‌الله قهوجی «آقای هالو»، داداشی «بری»، مهشید «هامون» و قربان سالار «بانو» از فیلم‌های مهرجویی در میان ۲۰۰شخصیت برگزیده تاریخ سینمای ایران وجود داشت که در اینجا نام‌شان را انبیاورده‌ایم.

در همین نظرسنجی، داریوش مهرجویی با ۲۷شخصیت در صدر کارگردانی قرار داشت که بیشترین تعداد شخصیت ماندگار را در سینمای ایران خلق کرده‌اند. همین حالا اگر فارغ از آن نظرسنجی ۱۹سال پیش مجله فیلم به حافظه خودمان مراجعه کنیم، همه شخصیت‌های جذابی که مهرجویی به سینمای ایران هدیه کرده در خاطرمان جان می‌گیرند، دیالوگ می‌گویند و راه می‌افتند و این‌ور و آن‌ور می‌روند و چه بسا اگر بپهنند که خالق‌شان چه مرگ درناکی داشته، در سواکش مویه کنند. مش اسلام و کدخدا و سایر روستایی‌های «گاو»، مهندس دون ژوان و دامپزشک خل‌وچل «پستچی»، قندی، سعدی، توسلی و مش مهدی «اجاره‌نشین‌ها»، بانوی «سارا»، گشتاسب «سارا»، اسد و صفای «بری»، علی سننتوری «سننتوری»، مش مریم «همهان مامان» و…

مهرجویی همواره با میراث گراندتری که از خود در سینمای ایران به یادگار گذاشت به یاد آورده خواهد شد؛ با همه وسواس‌ها و ظرافت‌هایی که در ساخت بهترین فیلم‌هایش داشت. سینمای ۲۲مهر ۱۴۰۲ یکی از چهره‌های جاودانش را از دست داد که جایگاه و بزرگی‌اش صرفاً به جلوداری‌اش در کنار مسعود کیمیایی، در موج نوی سینمای ایران در اواخر دهه ۳۴۰آینود. او برای سال‌ها پس از آن دوران و با فاصله از سایر هم‌نسلانش، بهترین کارگردانی بود که روح زمانه‌اش را به‌خوبی درک می‌کرد و در دوران یختگی‌اش هم فیلم‌هایی ساخت که به اندازه آثار سال‌های جوانی‌اش لبریز از شور و شوق به سینما و زندگی بود. یادش گرامی و میراثش جاودان.

عکس، همشهری شماایل همایی